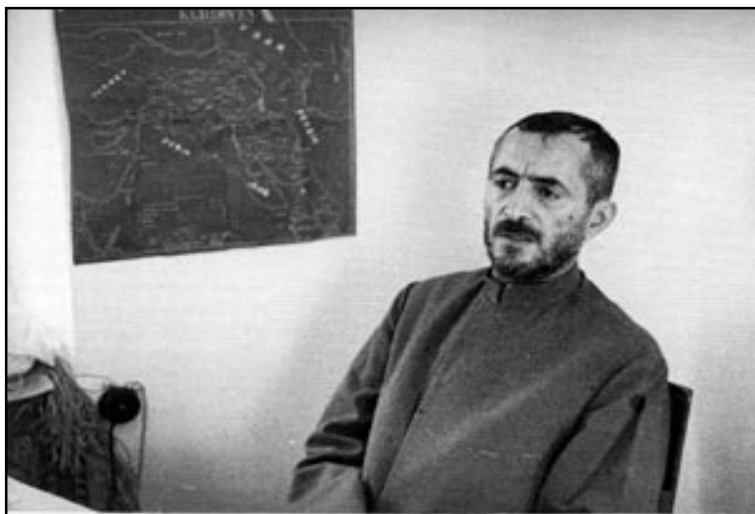


در باره زندگی پیشوا قاضی محمد



قاضی محمد از یک خانواده روحانی برخاسته بود. او در سال ۱۹۰۱ میلادی یعنی در نخستین سال این قرن شگفت‌انگیز و پر حادثه، قرن رستاخیز و انقلابهای بزرگ و آزادیبخش سیاسی و ملی، قرن اختراعات و اکتشافات حیرت‌انگیز علمی و پیشرفت عظیم بشریت در شهر کوچک مهاباد چشم بدنیا گشود.

در ایام کودکی خانواده‌اش امید فراوان به این کودک سربزیر و مودب و هوشمند و کوشا داشت. آرزوی خانواده

این بود که او مسند قضاوت را بعد از پدر حفظ نماید. ولی محمد با افکار بزرگ و کردار درست و مرگ شرافتمندانه خود نه تنها مایه و سربلندی خانواده و مظهر مبارزه حق طلبانه و مورد ستایش خلق کرد واقع گردید، بلکه نام ارجمندش در ردیف بزرگ مردان تاریخ و شهدای راه حق و عدالت و آزادی جاویدان ماند. او علوم دینی و فلسفه و ادبیات و عربی را در محضر اساتید بزرگ شهر خود فرا گرفت و هنوز جوان نورسیده‌ای بیش نبود که در علوم متداول عصر تبحر کامل یافت.

او بجای اینکه به انزوا و گوشه‌گیری پردازد، فعالانه به امور اجتماعی پرداخت. نخستین مدرسه به همت والای او در مهاباد تاسیس یافت. نمایندگی افتخاری معارف شهرستان را به عهده گرفت. نخستین مؤسسه و بیمارستان شیرو خورشید سرخ مهاباد هم در اثر کوشش و مساعی خستگی‌ناپذیر او بنیانگذاری شد و تحت نظر او اداره میگردد. با وجود آنهمه فعالیت‌های اجتماعی آنی از کسب علم و معرفت و بالا بردن سطح معلومات خود غفلت نورزید. آنوقت میسیونری از مبلغین مسیحی که اکثر آنها امریکایی بودند در مهاباد سکونت داشتند. او پیش آنها به آموختن زبانهای خارجی پرداخت. شاید اولین روحانی مهاباد و حتی کردستان بود که علیرغم تهمت‌های بیجا و ناروای مرتجعین با فرهنگیان و مردم غیر مسلمان آمیزش و رفت و آمد داشت و زبانهای خارجی و آداب و رسوم غربی را فرا گرفت و در اثر آموختن زبان و مطالعه جراید و مطبوعات خارجی و آثار نویسندگان بزرگ عالم معلومات عمیقی اندوخت و آگاهی بسیار پیدا کرد، که بعدها در زندگی سیاسی او تجلی یافت. او با ولع عجیبی کتاب میخواند و در کتابخانه او قدیمی‌ترین کتابها به زبانهای گوناگون موجود بود. قاضی محمد بعد از مرگ پدر در مقام قضاوت هم از خدمت مردم غافل نماند و به کارهای اجتماعی و فرهنگی ادامه داد و محبوبیت عظیمی در میان طبقات جامعه پیدا کرد.

قاضی محمد آدمی ساده‌پوش، متواضع، نرم‌خو و بذرده‌گو بود. او مردی متفکر، دانشمند سخندان و نکته‌سنج بود. شیفته شعر و موسیقی و هنرهای زیبا بود. نویسنده‌ای زبردست و مورخ و محقق بزرگی بشمار میرفت.

او روشنفکران و نویسندگان و شعرا را جدا دوست میداشت، به آزادی و دمکراسی عمیقاً ایمان داشت و به اقلیت‌های ملی و مذهبی احترام میگذاشت. به خلق خود صمیمانه عشق میورزید و بدین سبب پس از برچیده شدن سلطنت رضاخان توجه خود را به کارهای سیاسی مبذول داشت و با همکاری و همفکری دوستان خود در بیست و پنجم مرداد ماه ۱۳۲۴ حزب دمکرات کردستان را تاسیس کرد. در اولین کنگره حزب برنامه پیشنهادی او مورد تصویب قرار گرفت و خود نیز برهبری حزب برگزیده شد. حزب دمکرات کردستان در دوم بهمن ماه ۱۳۲۴ جمهوری کردستان را اعلام و پیشوای محبوب خود قاضی محمد را به ریاست جمهوری انتخاب کرد.

تاسیس جمهوری کردستان در بخش کوچکی از سرزمین ایران آنچنان رویداد بزرگی بود و آنچنان تاثیر شگرفی در روحیات خلق کرد بر جای گذاشت که پس از گذشت بیش از نیم قرن هنوز مبارزان کرد در همه بخشهای کردستان یادش را گرامی میدارند و در راه دستیابی به هدفهایی که این جمهوری در تحقق بخشیدن قطعی به آنها ناکام ماند، مبارزه میکنند. پیدایش جمهوری کردستان و سقوط ناپهنگام آن در عین حال توجه بسیاری از مورخین و محققین را به سوی خود جلب نمود، بطوریکه هنوز هم تحلیلهای و ارزیابیهای گوناگون از آن بعمل میاید.

بدون تردید تاسیس جمهوری کردستان تلاشی بود در جهت تحقق بخشیدن به آرمانهای دیرینه خلق کرد در دستیابی به حقوق و آزادیهای ملی (قومی) و بدست گرفتن سرنویشت خویش. انتخاب مقطع زمانی بعد از پایان جنگ دوم جهانی و همچنین انتخاب منطقه مهاباد برای تاسیس و اعلام حکومت ملی کردستان نشان از سطح بالای آگاهی سیاسی رهبران جنبش حق طلبانه مردم کردستان و در راس آنان پیشوا قاضی محمد دارد..

برخلاف ادعای دشمنان خلق کرد و مخالفان احقاق حقوق و آزادیهای مردم کردستان، انتخاب شکل جمهوری برای دولت ملی کردستان ایران در مهاباد به دلیل وجود داعیه تجزیه طلبی و تلاش در جهت جدایی کردستان از ایران نبود و تنها بیانگر نفی نظام ساطنتی بود که مردم کردستان از مظالم تاریخی آن دل پر خونی داشتند. برای اثبات این مدعی کافی است بیاد بیاوریم که زنده یاد قاضی محمد بعنوان رهبر حزب دمکرات کردستان، رئیس جمهوری کردستان و مغز متفکر جنبش ملی کرد در آنزمان در همان روزهای اعلام جمهوری، بارها بر این نکته تاکید ورزید که برنامه‌ای برای جدا کردن کردستان از ایران در کار نیست و آرمان جنبش کردهای ایران دستیابی به خودمختاری در چهارچوب مرزهای جغرافیایی ایران است. مسافرتهایی نیز که شخص پیشوا بمنظور حل و فصل مشکل کردستان به تهران داشت تاکید دیگری بر این واقعیت بود.

جمهوری کردستان در تاریخ مبارزات حقلطلبانه مردم کردستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هدفهای تحقق نیافته آن هنوز هم چراغی فرا راه فرزندان خلق کرد در مبارزه بخاطر دستیابی به حقوق مشروع و عادلانه توده‌های مردم کردستان است. تصادفی نیست که پس از گذشت بیش از نیم قرن از سقوط جمهوری هنوز هم این هدفها سرلوحه برنامه مبارزاتی حزب پیشوا قاضی محمد، حزب دمکرات کردستان ایران را تشکیل میدهند.

از آنجا که بدون شبهه افکار مترقیانه شادروان قاضی محمد راهنمای اصلی شعارها، سیاستها و بطور کلی خط مشی جمهوری کردستان و بعدها مبارزات آزادیخواهانه مردم کردستان ایران بوده است، بجاست از درسهایی سخن بگوییم که میتوان از زندگی مبارزاتی این بزرگمرد تاریخ خاق کرد آموخت. از آنجمله:

پیشوا سیاستمداری واقعبین بود. هیچگاه آرزو را جایگزین واقعیت نمی کرد و در مورد توان و امکانات مبارزاتی مردم دچار توهم نمی شد. انتخاب شعارها و سیاستهای جمهوری کردستان که شعار استراتژیک حزب دمکرات کردستان ایران یعنی دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان نیز از آنها مایه گرفته است نشان از این واقعیتی دارد.

قاضی محمد یک دمکرات واقعی بود که ایمان به ضرورت استقرار دمکراسی در جامعه را در عملکردهایش به ثبوت رسانده بود. آزادیهای دمکراتیک در کردستان ایران و در قلمرو جمهوری کردستان که قاضی آن را رهبری می کرد، بگونه‌ای برقرار شده بود که هنوز هم در کشورهای منطقه کمتر نظیرش را میتوان یافت. اگر این نکته را بیاد بیاوریم که در همان ایام ریاست قاضی محمد بر جمهوری کردستان اندک مخالفانش در مخالفت با او مقاله مینوشتند و شعر سرودند و آزادانه در میان مردم پخش میکردند بدون آنکه کسی حق داشته باشد به آنها معترض شود، آنگاه عمق ایمان بضرورت استقرار دمکراسی را بهتر در میابیم. تشکیل اتحادیه‌های زنان و جوانان و دیگر اتحادیه‌های صنفی در دوران جمهوری کردستان نمونه‌ای دیگر از گسترش دمکراسی در آنزمان و فراهم آمدن شرایط برای شرکت اقشار مختلف مردم در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی است. بویژه نباید فراموش کرد که در ایام حکومت قاضی محمد بود که برای نخستین بار به زنان کرد امکان داده شد که رسماً در فعالیتهای سیاسی شرکت کنند و حضور خود را در صحنه مبارزات مردمی نشان بدهند. قابل ذکر است که چون در آنزمان مشارکت زنان در اینگونه فعالیتها یکنوع سنت شکنی و مخالفت با آداب و سنن جامعه کردستان بشمار میرفت قاضی محمد زنان خانواده خویش را تشویق میکرد که قدم پیش بگذارند و بصورت الگویی برای زنان مبارز و آزادیخواه در آیند.

پایداری بر سر عهد از افتخارات زنده یاد قاضی محمد بود. روز بیست و دوم ژانویه ۱۹۴۶ قاضی در میدان "چهار چراغ" به مردم کردستان قول داد که تا واپسین لحظات زندگی به آرمان خلق کرد وفادار بماند و در این راه حتی از نثار جان دریغ نرزد. وی این پیمان مقدس را در دشوارترین لحظات حیات خویش، یعنی آنگاه که در زندان استبداد به زنجیر کشیده شده بود و آنگاه که در بیدادگاه نظامی محاکمه میشد بیاد داشت. او برای یک لحظه هم که شده در دفاع از آرمان خلق کرد تردید به خود راه نداد و سرفرازانه از اقداماتی که برای رهایی خلق کرد از زنجیر استبداد بعمل آورده بود، دفاع کرد و بشهادت افسران رژیم شاهنشاهی، در بیدادگاه نظامی در واقع این قاضی محمد بود که کل نظام سلطنتی را محاکمه میکرد و نه بالعکس.

این حقیقت در دل تاریخ کردستان ثبت است که قاضی محمد تنها با نوشتن چند سطر تقاضای عفو از محمد رضا شاه میتواندست از مجازات اعدام بخشوده شود و آزادی خود را باز یابد. اما وی از تسلیم در مقابل مرگ سرباز زد و از سر فرود آوردن در پیشگاه استبداد ابا کرد. که ترجیع داد که با رفتن بر سر دار فنا مزدوران رژیم شاهنشاهی و دشمنان حقوق و آزادیهای مردم کردستان را با همه غرور و نخوتی که از خود بروز میدادند در زیر پای خویش ببیند.

درس دیگری که شایسته است از قاضی محمد آموخت، نفی التجاء به بیگانگانی بود که یک روز بنا به مصلحت باوی از در دوستی درآمدند، اما همینکه منافع آنها طوری دیگر ایجاب کرد از پشت به وی و به حکومت تحت رهبریش خنجر زدند. برای پیشوا میسر بود که همانند سران حکومت ملی آذربایجان به اتحاد شوروی بگریزد و از گرفتار آمدن در قبضه مزدوران ارتجاع پرهیزد. اما وی از این پناهجویی ابا نمود و ترجیع داد در میان خلق خود باقی بماند، از آرمان مردم دفاع کند و در راه آنان جان ببازد. گویی به قاضی الهام شده بود که اگر به شوروی پناهنده شود همانند رهبران حکومت آذربایجان در یک تصادف اتموبیل یا حوادثی از این قبیل کشته خواهد شد، بدون آنکه نام نیکی از خود بیادگار گذارد.

در سپیده دم دهم فروردین ماه ۱۳۲۶ مطابق با ۳۰ مارس ۱۹۴۷ قاضی محمد و برادرش صدر قاضی و عموزاده اش سیف قاضی به چوبه دار آویخته شدند. در این روز میدان چهار چراغ شهر مهاباد شاهد یکی از مهمترین و دردناکترین رویدادهای تاریخ خلق کرد بود. در آنروز قاضی محمد پیشوای محبوب جمهوری کردستان و سردار دلیر و تسلیم ناپذیر خلق کرد نقش تاریخی دیگری بعهده گرفت. او کاروانسالار شهیدان کردستان گردید.

باین امید که رهروان راه پیشوا قاضی محمد خصلتهای این رهبر برگزیده را سرمشق خود قرار دهند و از زندگی و مبارزات او درسها بیاموزند.